

Research Paper

The Effect of Economic Globalization on Inflation in Asian Developing Countries



*Elahe Mahmoodi¹

1. PhD. Student of Economics, Department of Economics, Management & Accounting, Faculty of Humanities and Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Mahmoodi, E. (2019). [The Effect of Economic Globalization on Inflation in Asian Developing Countries (Persian)]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 7(1), 46-65. <https://doi.org/10.32598/JMSP.7.1.46>

<https://doi.org/10.32598/JMSP.7.1.46>



Received: 11 Dec 2017

Accepted: 14 Jul 2018

Available Online: 01 Apr 2019

Key words:

Economic Globalization,
Inflation, KOF Index,
Panel data

ABSTRACT

With the spread of globalization in different aspects, especially the economic aspect, economists started to study the effects of globalization on the economic indexes. Also, the available information and statistics indicate that global inflation has reduced during the last few decades. At the same time, countries' emergence in the global economy has speeded up. Thus, as inflation and its control are one of the economic problems in many countries, especially developing countries, the current article studies the positive and probably negative effects of economic globalization on the inflation rate in 22 developing Asian countries in the 1994-2014 period. By using the economic dimension of KOF index as the substitute variable for economic globalization as well as the random effects method for estimation, the results indicate a significant negative relationship between economic globalization and inflation in the studied countries. In other words, with one unit increase in globalization index, the inflation rate falls 0.39 unit. Therefore, it seems that countries' struggle to join the economic globalization and waiving the trade restrictions and obstacles is effective in lowering the inflation rate.

JEL Classification: C23, E31, F41

* Corresponding Author:

Elahe Mahmoodi, PhD. Student

Address: Department of Economics, Management & Accounting, Faculty of Humanities and Social Sciences, Yazd, Iran.

Tel: +98 (937) 4010796

E-mail: mahmoodi@stu.yazd.ac.ir

جهانی‌شدن اقتصاد و تأثیر آن بر تورم در کشورهای در حال توسعه آسیایی

* الهه محمودی^۱

۱- دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۲۰ آذر ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۲۳ تیر ۱۳۹۷

تاریخ انتشار: ۱۲ فروردین ۱۳۹۸

با فراگیر شدن پدیده جهانی‌شدن در ابعاد مختلف، به‌ویژه در بُعد اقتصادی، اقتصاددانان آثار آن را بر متغیرهای اقتصادی بررسی کرده‌اند. آمار و اطلاعات در دسترس نشان‌دهنده این است که طی چند دهه اخیر تورم جهانی کاهش یافته است. در حالی که ادغام کشورها در اقتصاد جهانی روندی فزاینده داشته است. بنابراین از آنجایی که تورم و راه‌های مقابله با آن یکی از مشکلات اقتصادی در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است، مقاله حاضر اثر جهانی‌شدن اقتصاد بر تورم را در ۲۲ کشور در حال توسعه آسیایی و در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۴ مطالعه کرده است تا اثرات مثبت و شاید منفی این پدیده بر تورم مشخص شود. با استفاده از بُعد اقتصادی شاخص KOF به عنوان متغیر جانشین برای جهانی‌شدن اقتصادی و استفاده از روش اثرات تصادفی برای برآورد، نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه معکوس و معنی‌دار بین جهانی‌شدن اقتصاد و تورم در کشورهای بررسی شده است. به طور دقیق‌تر یک واحد افزایش در درجه جهانی‌شدن اقتصاد، تورم را به میزان ۰/۳۹ واحد کاهش می‌دهد، بنابراین با توجه به نتایج تحقیق حاضر به نظر می‌رسد تلاش کشورها برای پیوستن به موج جهانی‌شدن اقتصاد و کاهش موانع و محدودیت‌های تجاری می‌تواند در کاهش نرخ تورم مؤثر باشد.

طبقه‌بندی JEL: E31, F41, C23

کلیدواژه‌ها:

جهانی‌شدن اقتصاد، تورم، شاخص KOF، داده‌های پانل

* نویسنده مسئول:

الهه محمودی

نشانی: یزد، دانشگاه یزد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه اقتصاد، مدیریت و حسابداری.

تلفن: ۴۰۱۰۷۹۶ (۹۳۷) +۹۸

پست الکترونیکی: mahmoodi@stu.yazd.ac.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر به آثار جهانی شدن در جنبه‌های مختلف اقتصاد توجه زیادی شده است. در منابع مختلف تعاریف متفاوتی برای جهانی شدن اقتصاد ذکر شده است که در جامع‌ترین تعریف، جهانی شدن اقتصاد را می‌توان فرایندی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کم‌رنگ می‌شود و تحرک روزافزون منابع، تکنولوژی، کالا و خدمات، سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها سهل‌تر صورت می‌گیرد.

از جمله آثار جهانی شدن بر اقتصاد کشورها تأثیر آن بر تورم است. تورم یکی از مشکلات جدی در اقتصاد بسیاری از کشورها و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود و از سوی دیگر روند جهانی شدن و ادغام رو به افزایش اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی که دولت‌ها را تشویق به کاهش موانع و آزادسازی تجاری می‌کند مبین ضرورت شناخت اثر جهانی شدن اقتصاد بر تورم است. نرخ تورم در کشورهای صنعتی از دهه ۱۹۹۰ به بعد نسبت به دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ میلادی کاهش درخور توجهی داشته است؛ به طوری که نرخ تورم در بیشتر سال‌های دهه ۹۰ در حدود ۲ تا ۳ درصد در نوسان، اما متوسط آن در اوایل دهه ۸۰ حدود ۹ درصد بوده است. این تحول به کشورهای پیشرفته محدود نشده است و کشورهای در حال توسعه هم (هرچند با چند سال تأخیر) این تحول را تجربه کرده‌اند. برای تبیین این واقعیت‌ها تحلیل‌گران دلایل مختلفی ارائه کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها اثرپذیری تورم کشورها از فرایند جهانی شدن است. بنابراین در این مطالعه سعی شده است تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر تورم در کشورهای در حال توسعه که تورم بیشتری نسبت به کشورهای صنعتی و پیشرفته دارند، مطالعه شود. همچنین از آنجایی که کشورهای در حال توسعه آسیایی از لحاظ جغرافیایی و ویژگی‌های ساختاری شباهت بیشتری با اقتصاد ایران دارند، از اطلاعات این کشورها بهره گرفته شده است.

کشور ایران از جمله کشورهایی است که همواره نرخ تورم زیادی را تجربه کرده است؛ به طوری که متوسط نرخ تورم از سال ۱۹۹۰ به بعد تقریباً ۱۹ درصد بوده است، در نتیجه مقابله با تورم همواره از چالش‌های اساسی برای سیاست‌گذاران و اقتصاددانان به حساب می‌آید. بنابراین به نظر می‌رسد آگاهی و آشنایی سیاست‌گذاران کشور با پیامدهای مثبت (و احتمالاً منفی) پدیده جهانی شدن، آن‌ها را در گرفتن تصمیمات مناسب برای بهره‌گیری از منافع جهانی شدن و جلوگیری از ناهنجاری‌ها و مشکلات ناشی از تورم باری می‌رساند، اما به‌رغم اهمیت این موضوع، کمتر مطالعه‌ای آن را بررسی کرده است. از این رو در این مطالعه سعی شده است تا در منتخبی از کشورهای در حال توسعه اثر جهانی شدن اقتصاد بر تورم و این موضوع که آیا افزایش درجه جهانی شدن باعث کاهش تورم می‌شود یا خیر بررسی شود.

۱- ادبیات موضوع

۱-۱- جهانی شدن اقتصاد

امروزه در بحث از جهانی شدن، به‌ویژه بعد اقتصادی آن مصادیقی خاص برداشت می‌شود. به طور مشخص، آغاز فرایندی که امروزه از آن به عنوان جهانی شدن اقتصاد یاد می‌کنیم به اواخر قرن نوزده میلادی، یعنی حدود سال ۱۸۷۰ بازمی‌گردد.

صندوق بین‌المللی پول^۱ جهانی‌شدن را رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر تکنولوژی تعریف می‌کند.

سیموز^۲ تعریف جامع‌تری از جهانی‌شدن را با ویژگی‌های مختلف از قبیل کم‌رنگ‌شدن اهمیت مرزهای ملی برای جداسازی بازارها، تخصصی‌شدن تولید فرامرزی و شکل‌گیری شبکه‌های تولیدی چندملیتی، تشکیل قدرت‌های چندپایه تکنولوژیک و همکاری بیشتر بنگاه‌های بین‌المللی، گسترش شبکه‌های اطلاعاتی و همبستگی بالاتر در مراکز مالی دنیا ارائه داده است. فرانکل^۳ این پدیده را به صورت افزایش ادغام بین‌المللی بازارهای ملی شامل بازار کالا، خدمات، سرمایه و نیروی کار معرفی می‌کند (سلمان‌پور، تقی سلطانی و شافعی، ۲۰۰۲).

با تعاریفی که از جهانی‌شدن اقتصاد بیان شد به عنوان یک تعریف جامع، جهانی‌شدن اقتصاد را می‌توان فرایند ادغام اقتصادهای ملی در یک اقتصاد فراگیر جهانی در نظر گرفت که در آن عوامل تولید شامل نیروی کار و سرمایه، تکنولوژی و اطلاعات آزادانه از مرزهای جغرافیایی عبور می‌کند و محصولات تولیدی (اعم از کالاها و خدمات) نیز آزادانه به بازارهای کشورهای مختلف وارد می‌شود. از مشخصه‌های اصلی این فرایند اتکای بیشتر به نظام بازار، خصوصی‌سازی و آزادسازی در ابعاد مختلف آن اعم از آزادسازی تجاری، بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است (ناجی میدانی، ۱۳۸۲).

۱-۲- شاخص جهانی‌شدن اقتصاد

در این مقاله برای بررسی اثر جهانی‌شدن اقتصاد بر تورم از این شاخص استفاده می‌شود؛ زیرا شاخص مؤسسه فریزر هر ۵ سال منتشر می‌شود و شاخص بنیاد هریتیج نیز بازه زمانی بررسی شده در این مطالعه را پوشش نمی‌دهد. بنابراین شاخص جهانی‌شدن اقتصادی^۴ مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

این شاخص را که در سال ۲۰۰۲ مؤسسه سوئیسی KOF^۵ (مؤسسه تحقیقات سیکل‌های تجاری)^۶ ارائه داد، سه بُعد جهانی‌شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد که به ترتیب هریک ۸، ۱۲ و ۳ شاخص فرعی دارند. به این ترتیب شاخص KOF، ۲۳ زیرشاخص فرعی با وزن‌های متفاوت دارد و بُعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهانی‌شدن هریک تقریباً به ترتیب وزنی معادل ۳۶، ۳۸ و ۲۶ درصد در شاخص جهانی‌شدن KOF دارند که جزئیات بُعد اقتصادی این شاخص به شرح زیر است:

الف) جریانات حقیقی: درصد تجارت از تولید ناخالص داخلی، ۲۱ درصد؛ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از تولید ناخالص داخلی، ۲۸ درصد؛ سرمایه‌گذاری پرتفوی (اوراق بهادار)، ۲۴ درصد و درصد پرداخت‌های

1. International Monetary Fund (IMF)
2. Simos
3. Frankel
4. Economic globalization
5. Konjunkturforschungsstelle
6. Business Cycles Research Institute

درآمدی به کشور خارجی از تولید ناخالص داخلی، ۲۷ درصد.

ب) محدودیت‌ها: موانع پنهان واردات، ۲۴ درصد؛ نرخ متوسط تعرفه، ۲۷ درصد؛ مالیات تجارت بین‌المللی، ۲۶ درصد و محدودیت‌های حساب سرمایه، ۲۳ درصد.

این شاخص جهانی شدن، برای سال‌های ۱۹۷۰ به بعد و برای اکثر کشورها محاسبه و ارائه شده است و ضمن جامع بودن می‌تواند بازه زمانی گسترده‌ای را پوشش دهد.

۱-۳- پیشینه پژوهش

بادینگر (۲۰۰۹) طی بررسی رابطه جهانی شدن و تورم، همچنین جهانی شدن و جان‌شینی تولید تورم با داده‌های مقطعی ۹۱ کشور در بازه زمانی ۲۰۰۴-۱۹۸۵، از دو شاخص بازبودن تجاری و بازبودن مالی برای اندازه‌گیری میزان جهانی شدن استفاده کرده است. او برای سنجش بازبودن تجاری از شاخص نسبت تجارت به تولید و برای سنجش بازبودن مالی از شاخص نسبت مجموع دارایی‌های خارجی و بدهی‌ها به تولید ناخالص داخلی بهره و نتیجه گرفته است هرچه بازبودن تجاری و مالی بیشتر باشد، متوسط نرخ تورم کمتر و جان‌شینی تولید تورم بیشتر خواهد بود. **کوریه‌ارا (۲۰۱۳)** این موضوع را بررسی کرد که آیا بازبودن تجاری با تورم کمتر در ارتباط است یا خیر؟ او برای پاسخ به این پرسش از داده‌های پانل برای کشورهای آسیایی و کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۷ بهره گرفت. نتایج نشان‌دهنده این بود که ارتباط معکوس بین بازبودن تجاری و تورم در کشورهای آسیایی قوی‌تر است. **بیهایس (۲۰۱۳)** بازبودن تجاری و تورم را در کشورهای آفریقایی مطالعه کرد و نتیجه گرفت ارتباط مشهودی بین این دو متغیر برقرار نیست. **قوش (۲۰۱۴)** اثر بازبودن تجاری و رژیم ارزی را بر تورم در ۱۳۷ کشور طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۹ بررسی کرد. نتایج این مطالعه نشان داد بازبودن بیشتر تجاری و مالی و رژیم ثابت نرخ ارز باعث تورم کمتر می‌شود؛ مخصوصاً در کشورهای با درجه بازبودن تجاری و مالی کم و تورم بالاتر.

بیانچی و سیولی (۲۰۱۵) در بررسی ارتباط بین جهانی شدن و تورم با رهیافت TV-VAR^۸ در ۵۰ کشور شامل کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، اقتصادهای مهم آسیایی و بعضی از کشورهای نوظهور بررسی کرده‌اند. دوره زمانی این مطالعه ۲۰۰۶-۱۹۷۱ و داده‌ها به صورت فصلی هستند. نتایج این مطالعه نشان داد نوسانات اقتصادی جهانی روی پویایی‌های تورم داخلی تأثیرگذار است و این نتیجه برای تمام کشورها و در طول دوره زمانی مطالعه شده صادق است. همچنین به‌رغم اهمیت جهانی شدن، اثر آن روی تورم روند زمانی روشنی را نشان نمی‌دهد و درنهایت آن‌ها نتیجه گرفتند بُعد سری زمانی اثر جهانی شدن را به روشنی تبیین نمی‌کند، اما با اضافه کردن بُعد مقطعی به تحلیل، نتایج نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین بازبودن تجاری و اثر فضای جهانی بر تورم است.

7. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

8. Time Varying-Vector Auto Regressive

ژانگ و همکاران (۲۰۱۵) ارتباط بین جهانی‌شدن و تورم در کشور چین را با استفاده از داده‌های فصلی ۲۰۱۲-۱۹۹۵ بررسی کردند. با استفاده از مدل پویای چندمتغیره، نتایج نشان داد عواملی مانند شکاف تولید جهانی، تأثیر معناداری بر تورم در چین دارد. **لین، می، وانگ، و یو (۲۰۱۷)** فرضیه **رومر (۱۹۹۳)** را مبنی بر ارتباط منفی بین بازبودن تجاری و تورم برای کشورهای آفریقایی و با تکنیک متغیر ابزاری^۹ آزمودند و نتیجه گرفتند با افزایش درجه بازبودن تجاری، تورم در این کشورها کاهش می‌یابد.

بودلر و ملک (۲۰۱۷) در مطالعه خود توضیح می‌دهند بازبودن تجاری می‌تواند بر نوسانات تورم تأثیرگذار باشد، اما نوع این تأثیر مبهم است. آن‌ها با استفاده از مدل پانل پویا در ۹۶ کشور و برای بازه زمانی ۲۰۰۰-۱۹۶۱ نشان دادند کاهش در نوسانات تورم در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها، به دلیل افزایش بازبودن تجاری و گسترش فرایند جهانی‌شدن اقتصاد است و این تأثیر در کشورهای در حال توسعه و نوظهور شدیدتر است.

طیبنیا و زندیه (۲۰۰۹) در مطالعه اثرات فرایند جهانی‌شدن بر تورم در ایران نتیجه گرفتند هرچه اقتصاد ایران بازتر باشد اثرپذیری تورم از ادوار تجاری داخلی کمتر می‌شود و در واقع نوسانات تورم کاهش می‌یابد. **سلمان‌پور و همکاران (۲۰۰۹)** در بررسی پیامد جهانی‌شدن بر تورم داخلی در ایران بر اساس تجزیه واریانس داده‌ها نتیجه گرفتند سهم عمده‌ای از تورم داخلی در کوتاه‌مدت و بلندمدت ناشی از تورم وارداتی است و افزایش درجه بازبودن اقتصاد در ایران موجب تأثیرپذیری بیشتر اقتصاد ملی از عوامل خارجی می‌شود و با توجه به وجود تورم جهانی تورم را افزایش می‌دهد. **جعفری صمیمی و شادابی (۲۰۰۹)** در بررسی اثر آزادسازی اقتصادی بر تورم در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۶ به روش داده‌های تلفیقی نتیجه گرفتند آزادسازی اقتصادی تأثیر قابل توجهی بر تورم در منطقه مدنظر نداشته است.

۱-۴- مبانی نظری

اثرگذاری فرایند جهانی‌شدن اقتصاد بر تورم موضوع تقریباً جدیدی است و در مطالعات مختلف برای آن دلایل متفاوتی ذکر شده که در ادامه به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود.

مشهورترین تحلیل در این چارچوب، تحلیل راگاف^{۱۰} است. راگاف بیان می‌کند جهانی‌شدن، مقررات‌زدایی^{۱۱} و کاهش نقش دولت در اقتصاد با آثار متقابل و تقویت‌کننده بر هم، باعث افزایش شدید رقابت می‌شود و شبه‌رانت‌های^{۱۲} بنگاه‌ها و اتحادیه‌های انحصارگر را کاهش می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه بازشدن مرزهای ملی به روی تجارت خارجی، رانت‌های شرکت‌های انحصاری داخلی را که عموماً از مخالفان جدی آزادسازی تجاری هستند، کاهش می‌دهد و کاهش قدرت قیمت‌گذاری انحصاری این شرکت‌ها در پی افزایش رقابت، قیمت‌های نسبی کالاهای انحصاری را کاهش خواهد داد. در این حالت مقامات پولی می‌توانند با تنظیم سیاست‌های پولی کشور، این کاهش در قیمت‌های نسبی را به

9. Instrumental Variable

10. Rogoff

11. Deregulation

12. Quasi-rent

سطح عمومی قیمت‌ها منتقل کنند. (رگاف، ۲۰۰۳).

جهانی شدن علاوه بر اثر غیرمستقیم خود که باعث کاهش قدرت انحصاری شرکت‌های داخلی می‌شود، به طور مستقیم نیز می‌تواند باعث کاهش قیمت‌های نسبی شود. رگاف در تحلیل این اثر معتقد است افزایش تجارت با اقتصادهای نوظهور می‌تواند با کاهش قیمت کالاهای واسطه‌ای، قیمت تمام‌شده کالاها را کاهش دهد، زیرا بسیاری از کالاهای تجاری، کالاهای واسطه‌ای در تولید دیگر کالاها به شمار می‌روند.

طبق تئوری‌های جدید رشد^{۱۳} بازبودن یک کشور برای تجارت جهانی باعث بهبود تکنولوژی و موجب می‌شود تا اقتصادهای باز با سرعت بیشتری نسبت به اقتصادهای بسته رشد کنند. بنابراین گفته می‌شود بازبودن از طریق تأثیری که روی تولید دارد، می‌تواند بر تورم اثرگذار باشد. این تأثیر می‌تواند از طریق چهار مکانیسم عمل کند: افزایش کارایی که به احتمال زیاد از طریق تغییر در ترکیب نهاده‌هایی که در داخل کشور یا به صورت بین‌المللی تولید می‌شوند، موجب کاهش هزینه‌ها می‌شود؛ تخصیص بهتر منابع؛ افزایش بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و افزایش در سرمایه‌گذاری خارجی که موجب تحریک رشد تولید و کاهش قیمت‌ها می‌شود (آشرا، ۲۰۰۲).

رومر^{۱۴} نیز در مقاله خود با عنوان «بازبودن اقتصاد» و تورم» ضمن ارائه یک الگوی اقتصاد کلان باز با فرض رقابت ناقص و انعطاف‌ناپذیری قیمت‌ها، در تشریح نحوه اثرگذاری بازبودن اقتصاد بر تورم داخلی یک کشور معتقد است منافع حاصل از یک انبساط پولی غیرمنتظره^{۱۵} در اقتصادهای باز کمتر است. بنابراین انگیزه مقامات پولی برای ایجاد تورم در اقتصادهای باز تر کمتر خواهد بود. او همچنین معتقد است اثر افزایش در رشد نقدینگی روی نرخ ارز حقیقی مستقل از درجه باز بودن است، اما چون هزینه رفاهی ناشی از کاهش نرخ ارز حقیقی - در اثر سیاست پولی انبساطی - با افزایش درجه بازبودن افزایش می‌یابد، باز هم موجب بازدارندگی برای اعمال سیاست‌های پولی انبساطی در اقتصادهای باز تر می‌شود (رومر، ۱۹۹۳).

رومر (۱۹۹۳) در تبیین رابطه جهانی شدن اقتصاد و تورم، یک کشور را در نظر می‌گیرد که افراد آن کالاهای مختلفی را مصرف می‌کنند و a درصد از این کالاها وارداتی است. (پس a درجه بازبودن را نشان می‌دهد) او در ابتدا رابطه شماره ۱، را مدنظر قرار می‌دهد:

۱.

$$x = a(e + p^*) + (1 - a)p$$

در این رابطه: x نرخ تورم (تغییرات لگاریتم شاخص قیمت مصرف‌کننده) را نشان می‌دهد؛ a درجه بازبودن و جهانی شدن است؛ e تغییرات لگاریتم نرخ ارز را نشان می‌دهد؛ p^* تغییرات لگاریتم شاخص قیمت کالاهای خارجی بر حسب واحد پول خارجی است و p تغییرات لگاریتم شاخص قیمت کالاهای تولید داخل بر حسب واحد پول داخلی را مشخص می‌کند؛ علامت ستاره (*) نیز نشان‌دهنده متغیر خارجی است. با فرض اینکه

13. New Growth Theory

14. Romer

15. Surprise Monetary Expansion

مطلوبیت فردی حاصل از مصرف، به صورت ترکیب CES از مصرف کالاهای مختلف باشد و α نشان دهنده معکوس کشش جانشینی بین دو کالا و کوچک تر از یک باشد، از آنجایی که کالاهای تولید داخل جانشین ناقص برای کالاهای تولید خارج هستند، افزایش در تولید داخلی موجب کاهش قیمت نسبی کالاهای تولید داخل می شود:

.۲

$$e+p^*-p=a(v-y^*)$$

در رابطه شماره ۲، γ تغییرات لگاریتم تولید داخلی و γ^* تغییرات لگاریتم تولید خارجی است. فرض کنید در کوتاه مدت f درصد از قیمت های داخلی انعطاف پذیر هستند و $1-f$ درصد باقی مانده غیر قابل انعطاف هستند. آن گاه (رابطه شماره ۳):

.۳

$$p=f\tilde{p}+(1-f)\bar{p}$$

به طوری که و به ترتیب، نرخ تورم قیمت های انعطاف پذیر و قیمت های چسبیده در کوتاه مدت هستند. فرض کنید که قیمت های انعطاف پذیر بر اساس رابطه شماره ۴ تعیین می شوند:

.۴

$$\tilde{p}-X=\varphi Y$$

$$\varphi>0$$

باید توجه داشت بر خلاف حروف کوچک^{۱۶} که بیانگر تغییرات لگاریتم متغیر است، حروف بزرگ^{۱۷} نشان دهنده سطح لگاریتم متغیر مدنظر است. φ میزان حساسیت قیمت های منعطف نسبت به تولید را اندازه می گیرد؛ برای مثال در یک حالت ساده که نیروی کار تنها عامل تولید و بازار نیروی کار، رقابتی باشد، دستمزدها انعطاف پذیر باشد و بازدهی ثابت وجود داشته باشد، φ به طور ساده معکوس کشش عرضه نیروی کار خواهد بود. از آنجایی که قیمت های اولیه در مقادیر تعادلی شان هستند، رابطه شماره ۴ را می توان برای تغییرات لگاریتم متغیرها نیز به صورت زیر (رابطه شماره ۵) در نظر گرفت:

.۵

$$\tilde{p}-x=\varphi Y$$

در نهایت، تقاضای پول به شکل زیر (رابطه شماره ۶) است:

16. Lowercase

17. Uppercase

۶.

$$m-p=y$$

طوری که m تغییرات لگاریتم موجودی پول است. رابطه ۶ می تواند از محدودیت نقدی پیش رو^{۱۸} یا از فرض وارد شدن پول در تابع مطلوبیت ایجاد شده باشد؛ به طور جایگزین می توان آن را به طور ساده به عنوان یک راه میانبر برای مدل سازی تقاضای کل در نظر گرفت. رومر معادلاتی مشابه معادلات قبل را برای کل دنیا که فرضاً شامل یک کشور است، در نظر می گیرد که در این روابط شماره ۷-۱۰ علامت ستاره * نشان دهنده متغیر خارجی است.

۷.

$$x^*=ap^*+(1-a)(p-e)$$

۸.

$$p^*=\tilde{p}+(1-f)\bar{p}^*$$

۹.

$$\tilde{p}^*-x^*=\varphi y^*$$

۱۰.

$$m^*-p^*=y^*$$

اگر همه قیمت ها کاملاً منعطف باشند ($f=1$)، تعادل در $e=m-m^*$ ، $y=y^*=0$ ، $p=m$ و $p^*=m^*$ برقرار خواهد بود. به دلیل رقابت ناقص، سطح تعادلی تولید کمتر از سطح بهینه از لحاظ اجتماعی است. با فرض اینکه هر کالایی را یک بنگاه جداگانه تولید کند، آن گاه نسبت قیمت به هزینه نهایی هر بنگاه $\frac{1}{1-a}$ خواهد بود. بنابراین، در تعادل قیمت های انعطاف پذیر، تأثیر نهایی افزایش y روی رفاه (با این فرض که نرخ ارز حقیقی ثابت نگه داشته شود) برابر α است. به علاوه، از آنجایی که تغییر در نرخ ارز حقیقی نمایانگر تغییر در قیمت های واقعی کالاهای خارجی است، تغییر نرخ ارز حقیقی روی رفاه اثرگذار است. از آنجا که سطح تعادلی تولید، یکه (واحد) است و چون درصد کالاهای خریداری شده از خارج معادل a است، تأثیر نهایی ایجاد شده در رفاه^{۱۹}، در اثر افزایش $e+p^*-p$ (با ثابت بودن y) برابر $-a$ خواهد بود.

روابط ۶-۱۰ برای بررسی اثر افزایش عرضه پول m با قیمت های از پیش تعیین شده \bar{p} و \bar{p}^* به کار برده می شود. تأثیر انبساط پولی و افزایش نقدینگی روی تولید، تورم داخلی، تورم شاخص قیمت مصرف کننده^{۲۰} و

18. Cash-in-Advance Constraint

19. Marginal Welfare Impact

20. Consumer Price Index (CPI)

نرخ ارز حقیقی را می توان به صورت زیر نوشت:

.۱۱

$$\frac{dy}{dm} = \frac{(1-f)[(1-f)+f(1-a)\alpha+\phi]f}{\Delta}$$

.۱۲

$$\frac{dp}{dm} = \frac{f[(1-f)\phi+f(\phi+\alpha)\phi+(1-f)a\alpha]}{\Delta}$$

.۱۳

$$\frac{dx}{dm} = \frac{\phi f[(1-f)+f(\phi+\alpha)]+(1-f)a\alpha(1+f\phi)}{\Delta}$$

.۱۴

$$\frac{d(e+p^*-p)}{dm} = \frac{(1-f)[(1-f)+\phi]f\alpha}{\Delta}$$

به طوری که

.۱۵

$$\Delta \equiv [(1-f)+\phi]f[(1-f)+(\phi+\alpha)f]$$

از آنجایی که Δ به درجه جهانی شدن (a) وابسته نیست، از معادلات مذکور می توان نتیجه گرفت در یک اقتصاد بازتر، اثر انبساط پولی و افزایش نقدینگی روی تولید کمتر و روی تورم داخلی و تورم شاخص قیمت مصرف کننده بیشتر است (رابطه شماره ۱۵). بنابراین، جانشینی^{۲۱} تولید تورم (که با $\frac{dy}{dx}$ یا $\frac{dy}{dp}$ اندازه گیری می شود) در کشورهایی که اقتصاد بازتری دارند جذابیت کمتری برای سیاست گذاران دارد. در مقابل، اثر افزایش رشد نقدینگی روی نرخ ارز حقیقی مستقل از درجه باز بودن است. اما به دلیل اینکه هزینه رفاهی^{۲۲} ناشی از یک کاهش و تنزل مشخص در نرخ ارز حقیقی، در اقتصادهای باز بیشتر است، تنزل نرخ ارز حقیقی در اقتصادهای باز تر مانع بزرگ تری برای سیاست های پولی انبساطی خواهد بود.

برای تکمیل مدل باید مشخص کنیم که m ، p^* ، \bar{p} و m^* چگونه تعیین می شوند. فرض کنید بنگاه هایی که قیمت را قبل از مشخص شدن m تعیین کرده اند، تابع هدفی دارند، مشابه بنگاه هایی که قیمت های تحقق یافته را تعیین می کنند. بنابراین، همانند رابطه های ۴ و ۹ می توان نوشت:

.۱۶

$$\bar{p} = E[x + \phi y]$$

21. Trade-off

22. Welfare Cost

.۱۷

$$\bar{p}^* = E[x^* + \phi y^*]$$

طوری که E بیانگر انتظارات است، مشروط بر اطلاعات در دسترس و زمانی که قیمت‌ها تنظیم شده است. از روابط شماره ۳-۱، ۱۰، ۱۶ و ۱۷ می‌توان روابط شماره ۱۸ و ۱۹ را نتیجه گرفت.

.۱۸

$$\bar{p} = E[m]$$

.۱۹

$$\bar{p}^* = E[m^*]$$

برای رسیدن به تعادل به دو شرط نیاز است. اول اینکه انتظارات عقلایی باشند. از آنجایی که در مدل نااطمینانی وجود ندارد، با توجه به روابط شماره ۱۸ و ۱۹ می‌توان این شرط را به سادگی به صورت $\bar{p} = m$ و $\bar{p}^* = m^*$ نوشت. بنابراین، در تعادل، تولید برابر سطح قیمت انعطاف پذیرش است. شرط دوم برای تعادل این است که مقامات پولی با توجه به اینکه \bar{p} و \bar{p}^* معلوم باشند، رشد نقدینگی را به صورت بهینه انتخاب کنند. برای این منظور لازم است که:

.۲۰

$$a \frac{dy}{dm} - \frac{d(e+p^*-p)}{dm} = \dot{c}(x)$$

روابط شماره ۱۸ و ۲۰ نشان می‌دهند رابطه ۲۰ در تعادل باید در نقطه‌ای مثل $\bar{p} = m$ نگه داشته شود و در نتیجه $y=0$ است که این همانند تعادل قیمت‌های انعطاف پذیر است. به عبارت دیگر، تورم انتظاری، باید به گونه‌ای تنظیم و تعدیل شود که مقامات پولی تورم مازادی را ایجاد نکنند. به طور مشابه، شرط نرخ تعادلی رشد نقدینگی در خارج به صورت رابطه شماره ۲۱ خواهد بود:

.۲۱

$$a \frac{dy^*}{dm^*} + (1-a) \frac{d(e+p^*-p)}{dm^*} = \dot{c}(x^*) \frac{dx^*}{dm^*}$$

رابطه شماره ۱۹ نشان می‌دهد که این شرط باید در نقطه $\bar{p}^* = m^*$ نگه داشته شود.

با جایگزین کردن روابط شماره ۱۱، ۱۳ و ۱۴ در رابطه ۲۰ به پیش‌بینی اصلی مدل می‌رسیم، مبنی بر اینکه افزایش درجه بازبودن و جهانی شدن باعث کاهش تورم تعادلی خواهد شد. $\frac{dy}{dx}$ بر حسب a کاهشدهنده است و $\frac{d(e+p^*-p)}{dm}$ بر حسب a فزاینده است. بنابراین سمت چپ رابطه شماره ۲۰، ۴ و ۳ بر حسب a کاهش می‌یابد. علاوه بر این، $\frac{dx}{dm}$ بر حسب a افزایشی است. به دلیل اینکه $\dot{C}(x)$ و $\dot{C}(x^*)$ مثبت هستند $\dot{C}(x)$ هزینه تورم

فرض می شود، با افزایش a برای برقرار ماندن برابری، x باید کاهش یابد.

۲- روش شناسی پژوهش

همان طور که اشاره شد اندازه دولت از عوامل افزایش دهنده شبه رانت های بنگاه ها و اتحادیه های انحصارگر است و بنابراین موجب افزایش تورم می شود (رگاف، ۲۰۰۳). همچنین مطالعه رمزی (۱۹۲۷) و فلیس (۱۹۷۳) نیز نشان می دهد چون حق الضرب^{۲۳} یک منبع درآمدی برای دولت هاست، مقدار نهایی از دست رفته تورم^{۲۴} باید با مقدار نهایی از دست رفته مالیات های دیگر برابر باشد، اما زمانی که دولت نیاز دارد که درآمد خود را افزایش دهد، احتمالاً مقدار نهایی از دست رفته مالیات های دیگر، از مقدار نهایی از دست رفته تورم بیشتر است. با فرض صعودی بودن بخش وابسته به حق الضرب منحنی لافر^{۲۵}، دولت های بزرگ تر باید نرخ تورم بیشتری داشته باشند (صادقی، ۱۳۸۹).

بر اساس مطالعات آلسینا و تابلینی (۱۹۸۷) و بارو و گوردون (۱۹۸۳) تورم نشانه ناتوانی دولت در تأمین تعهدات مالی اش است و در واقع دولت ها از تورم ناگهانی و پیش بینی نشده به واسطه افزایش موقت تولید و کاهش ارزش واقعی بدهی های دولت سود می برند. بر اساس نظریه بارو و گوردون (۱۹۸۳) نرخ تورم انتخاب شده چنین دولت هایی تابع صعودی از تعهدات مالی است و سود حاصل از تورم ناگهانی نیز صعودی است.

اما در بین مطالعات تجربی نتایج متفاوت است. برخی مطالعات تجربی از جمله مطالعه بکر و مولیگان (۲۰۰۳) رابطه مثبت بین اندازه دولت و تورم را نتیجه گرفته اند و برخی مانند صادقی (۱۳۸۹) رابطه منفی بین اندازه دولت و تورم را نتیجه گرفته اند. همچنین طبق نظریه مقداری پول، رشد نقدینگی از عوامل بسیار مهم در ایجاد تورم است که در واقع باعث فزونی گرفتن تقاضای کل از عرضه کل و ایجاد تورم فشار تقاضا می شود. اقتصاددانان معتقد به این نظریه، یگانه عامل ایجاد کننده تورم را تغییر حجم پول عنوان می کنند.

یکی دیگر از علل ایجاد تورم، تورم ساختاری است که به دلیل وضعیت مربوط به ساختار اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و غیره بروز می کند. این نوع تورم یک توضیح ساده فشار تقاضا یا فشار هزینه ندارد، بلکه عوامل گوناگون و پیچیده ای در ایجاد و تداوم آن نقش دارد. این تورم عمدتاً خاص کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است. (رحمانی، ۲۰۰۲). بنابراین به تبعیت از جعفری صمیمی (۲۰۰۹) وقفه تورم به عنوان پراکسی تورم ساختاری در مدل شماره ۲۲ استفاده شده است.

۲۲

$$IN = \beta_0 + \beta_1 EGI_t + \beta_2 GP_t + \beta_3 GS_t + \beta_4 MG_t + \beta_5 IN(-I) + U_t$$

که در رابطه فوق اندیس i نشان دهنده کشورهاست و نمونه بررسی شده مشتمل بر ۲۲ کشور در حال توسعه

23. Seigniorage

24. Marginal Deadweight Loss of Inflation

25. Laffer curve

آسیایی است. اندیس t نشان دهنده زمان در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۴ است، IN متغیر وابسته و نشان دهنده تورم است که با شاخص قیمت مصرف کننده اندازه گیری می شود. متغیرهای مستقل عبارتند از:

EG ، شاخص جهانی شدن اقتصاد است و در این تحقیق با بُعد اقتصادی شاخص جهانی شدن KOF یا $Economic Globalization$ سنجیده شده است. GP سرانه تولید ناخالص داخلی، GS نسبت مصرف بخش عمومی به MG ، GDP رشد نقدینگی^{۲۶} (با تعریف پول به صورت مجموع پول و شبه پول یا M_p)، $(-1)IN$ نیز وقفه تورم است.

آمار شاخص جهانی شدن اقتصاد از سایت مؤسسه KOF ^{۲۷} و داده های دیگر متغیرهای بررسی شده در این مقاله از بانک جهانی^{۲۸} و بخش آمار سازمان ملل^{۲۹} استخراج شده اند. کشورهای مطالعه شده به دلیل محدودیت در داده ها، به ۲۲ کشور در حال توسعه آسیایی محدود شده است. این کشورها عبارتند از: آذربایجان، ارمنستان، اردن، اندونزی، ایران، بحرین، بنگلادش، پاپوآ نو، پاکستان، تایلند، ترکیه، گرجستان، چین، سوریه، فیلیپین، قزاقستان، کویت، مالزی، نپال، هندوستان و ویتنام.

داده ها و اطلاعات استفاده شده در تحقیق حاضر به صورت داده های پانل است که از منابع آماری مختلف (بانک جهانی و بانک اطلاعات سازمان ملل) استخراج شده است. در ادوار گذشته تنها از داده ها و تکنیک های سری زمانی برای تجزیه و تحلیل های اقتصادی استفاده می شد، اما اخیراً به دلیل مشکلات و ضعف هایی که روش های سری زمانی دارد و در مقابل نقاط قوت داده های پانل، از جمله ویژگی هایی که بالتاجی در کتاب تحلیل اقتصادسنجی داده های پانل، به آنها اشاره کرده است، محققان به استفاده از داده های پانل توجه بیشتری کرده اند. در این روش ابتدا برای تعیین مانایی^{۳۰} یا نامانایی داده ها آزمون ریشه واحد پانل^{۳۱} استفاده می شود. آزمون های مختلفی برای بررسی مانایی در داده های پانل معرفی شده است، از جمله آزمون هاریس و تراولایس (۱۹۹۹)، آزمون بریتونگ^{۳۲} (۲۰۰۰) آزمون لوین، لین و چو (۲۰۰۲)، آزمون ایم، پسران و شین (۲۰۰۳) و آزمون های دیگر که فرضیه صفر این آزمون ها، به جز آزمون هدری (۲۰۰۰)، مبتنی بر وجود ریشه واحد پانل است.

بعد از آن آزمون F لیمر برای انتخاب بین داده های پولینگ^{۳۳} یا پانل^{۳۴} انجام می شود. در صورت استفاده از داده های پولینگ از روش OLS معمولی برای برآورد استفاده خواهد شد. اما اگر نتایج مبتنی بر استفاده از داده های پانل باشند، باید با روش اثرات ثابت یا تصادفی مدل را برآورد کرد.

26. Money Growth

27. www.kof.ethz.ch

28. World Development Indicators (WDI)

29. UNDATA

30. Stationary

31. Panel Unit Root Test

32. Breitung

33. Pooling Data

34. Panel Data

۳- یافته‌های پژوهش

همان‌طور که قبلاً گفته شد دوره زمانی مطالعه شده ۲۰۱۴-۱۹۹۴ است و برای جمع‌آوری آمار و اطلاعات از مراجع مختلفی مانند بانک جهانی و بخش آمار سازمان ملل استفاده شده است. در این تحقیق از نسخه ۶ نرم‌افزار Eviews برای انجام آزمون‌ها و برآورد مدل استفاده شده است.

۱-۳- آزمون ریشه واحد

نتایج حاصل از پنج آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو، ایم، پسران و شین، بریتونگ و فیشر در **جدول شماره ۱** نشان داده شده است. در تمام این آزمون‌ها، فرضیه صفر مبتنی بر وجود ریشه واحد پانل است. همان‌طور که در **جدول شماره ۱** مشاهده می‌شود همه متغیرها حداقل بر اساس چهار مورد از آزمون‌های ریشه واحد در سطح مانا هستند، اما متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه با یک بار تفاضل‌گیری مانا شده است.

۲-۳- آزمون F لیمر

برای انتخاب بین استفاده از داده‌های پانل و داده‌های پولینگ از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون مبتنی بر یکسان‌بودن متغیر عرض از مبدأ برای تمام مقاطع (استفاده از داده‌های پولینگ) و فرضیه مقابل، مبنی بر متفاوت‌بودن متغیر عرض از مبدأ در بین مقاطع (استفاده از داده‌های پانل) است. نتایج این آزمون در **جدول شماره ۲** مشاهده می‌شود. بر اساس نتیجه این آزمون، فرضیه صفر مبنی بر استفاده از داده‌های پولینگ رد می‌شود. بنابراین مدل به صورت پانل تخمین زده خواهد شد.

۳-۳- آزمون هاسمن و برآورد مدل

برای انتخاب بین مدل با اثرات ثابت یا مدل با اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. با توجه به نتایج **جدول شماره ۳** فرضیه صفر این آزمون مبنی بر استفاده از روش اثرات تصادفی^{۳۵} را نمی‌توان رد کرد. بنابراین، مدل با استفاده از روش اثرات تصادفی تخمین زده خواهد شد.

مطابق نتایج حاصل از برآورد مدل که در **جدول شماره ۴** مشاهده می‌شود، ضرایب از نظر علامت با تئوری‌ها سازگار است. همچنین سطح معنی‌داری برای تمام متغیرها ۹۵ درصد است. ضریب متغیر جهانی‌شدن اقتصاد مطابق انتظار منفی و معنی‌دار است؛ به طور دقیق‌تر یک واحد افزایش در درجه جهانی‌شدن اقتصاد، تورم را به میزان ۰/۳۹ واحد کاهش می‌دهد. همچنین با یک واحد افزایش در تولید ناخالص داخلی سرانه، تورم به میزان ۰/۰۰۳ واحد کاهش خواهد یافت. همین‌طور یک واحد افزایش در نسبت مصرف بخش عمومی به تولید ناخالص داخلی و رشد نقدینگی، به ترتیب ۱/۷ و ۱/۳۴ واحد تورم را افزایش خواهد داد و درنهایت با یک واحد

35. Random effects

جدول ۱. نتایج آزمون های ریشه واحد پانل

متغیر آزمون	IN	EG	D(GP)	GS	MG	IN(-1)
LLC	-۶۵۳/۹۵ (۰/۰۰)	-۷/۱۲ (۰/۰۰)	-۲/۷۵ (۰/۰۰)	-۳/۸۶ (۰/۰۰)	-۱۲/۴۰ (۰/۰۰)	-۳۷۵/۹۹ (۰/۰۰)
Breitung	-۵/۲۷ (۰/۰۰)	-۲/۶۸ (۰/۰۰)	۰/۰۹ (۵۳/۰)	-۳/۸۴۰ (۰/۰۰)	-۲/۲۷ (۰/۰۱)	-۱/۹۷ (۰/۰۰)
IPS	-۲۸۲/۴ (۰/۰۰)	-۱/۶۱ (۰۵/۰)	-۴/۳۹ (۰/۰۰)	-۲/۴۲ (۰/۰۰)	-۹/۷۷ (۰/۰۰)	-۶۳/۹۲ (۰/۰۰)
ADF-Fisher	۶۷۰/۶۷ (۰/۰۰)	۷۰/۸۶ (۰/۰۰)	۹۹/۹۹ (۰/۰۰)	۷۲/۲۷ (۰/۰۰)	۱۳۸/۰۶ (۰/۰۰)	۷۲/۲۰ (۰/۰۰)
PP-Fisher	۶۲۰/۶۲ (۰/۰۰)	۳۷/۸۶ (۰/۷۳)	۱۰۶/۱۸ (۰/۰۰)	۶۸/۹۶ (۰/۰۰)	۱۵۵/۹۳ (۰/۰۰)	۱۰۳/۴۳ (۰/۰۰)

اعداد داخل پرانتز Prob هستند. (مأخذ: محاسبات محقق).

فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان

جدول ۲. نتایج آزمون F لیمر

متغیر آزمون	Statistic	d.f	Prob.
Cross-section F	۲/۴۹	(۲۱/۳۳۶)	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق

فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان

افزایش در تورم دوره قبل، تورم جاری به میزان ۰/۰۵ واحد افزایش می یابد.

۴- بحث و نتیجه گیری

یکی از تحولات اقتصادی دهه های اخیر، درهم آمیزی و ادغام فزاینده اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی است. این روند فزاینده جهانی شدن، دولت ها را تشویق به کاهش موانع تجاری می کند، اما باید دید پیوستن به موج جهانی شدن اقتصادی

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن

متغیر آزمون	Statistic	Chi-Sq. d.f	Prob.
Cross- section random	۸/۰۰	۵	۰/۱۵

مأخذ: یافته های تحقیق

فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد مدل

متغیر	ضریب	آماره تی
EG	-۰/۳۹۴	-۲/۳۴
D(GP)	-۰/۰۰۳	-۲/۷۱
GS	۱/۷۰۰	۴/۲۵
MG	۱/۳۴۹	۵۸/۱۱
IN(-۱)	۰/۰۵۱	۱۰/۱۸
$R^2=۰/۹۲۳$ Adjusted $R^2=۰/۹۱۱$		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

فصلنامه سیاست‌های راهبردی وکلان

تأثیری مثبت بر تورم دارد و آن را کاهش می‌دهد یا اینکه باعث افزایش آن می‌شود.

در این تحقیق رابطه بین جهانی شدن اقتصاد و تورم با استفاده از داده‌های تابلویی در ۲۲ کشور در حال توسعه آسیایی و طی دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۴ بررسی شده است تا پیامدهای مثبت یا منفی این پدیده در رابطه با تورم مشخص شود. برای متغیر جهانی شدن اقتصاد، شاخص‌های مختلفی ارائه شده است که هر یک به صورت اجمالی توضیح داده شد و در نهایت شاخص جهانی شدن اقتصاد مؤسسه KOF به دلیل جامع بودن و در دسترس بودن داده‌های آن برای بازه زمانی و کشورهای مطالعه شده در این تحقیق به عنوان متغیر جانشین برای جهانی شدن اقتصاد استفاده شد. برای تخمین مدل از روش اثرات تصادفی استفاده شد که بر اساس نتایج همان‌طور که انتظار می‌رفت، رابطه معکوس بین جهانی شدن اقتصاد و تورم مشاهده شد.

این نکته بر اهمیت برنامه‌ریزی برای پیوستن به موج جهانی شدن اقتصاد و کاهش موانع پیش‌روی تجارت آزاد دلالت دارد. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، از آنجایی که یکی از مشکلات اساسی کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در ایران، بالا بودن نرخ تورم است و این مشکل تبعات بسیار زیان‌باری برای اقتصاد کشورها از جمله افزایش نااطمینانی در اقتصاد و کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را به دنبال دارد که خود باعث کاهش رشد اقتصادی و ایجاد رکود در اقتصاد کشور می‌شود. بنابراین توجه به مسئله جهانی شدن اقتصاد، کاهش محدودیت‌های تجاری و تلاش برای افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی، همچنین تلاش برای عضویت در سازمان‌های تجاری جهانی مانند سازمان تجارت جهانی^{۳۶} و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و گسترش تعاملات سازنده و مؤثر با کشورهای جهان مطابق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ امری ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به ضرایب دیگر متغیرهای مدل، نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت بین اندازه دولت و میزان نقدینگی با نرخ تورم است که نشان‌دهنده ضرورت تلاش برای گسترش بخش خصوصی و کاهش

36. World Trade Organization (WTO)

نقش دولت در اقتصاد و توجه بیشتر به اصل ۴۴ قانون اساسی و بخش اقتصادی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ است. همچنین لازم است که بانک مرکزی در اعمال سیاست‌های پولی و گسترش حجم نقدینگی که طبق تئوری‌های اقتصادی و نتایج تحقیق حاضر باعث افزایش تورم می‌شود با احتیاط بیشتری اقدام کند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

References

- Alesina, A., & Tabellini, G. (1987). Rules and Discretion with noncoordinated monetary and fiscal policies. *Economic Inquiry*, 25(4), 619-30.
- Ashra, S. (2002). *Inflation and openness: A study of selected developing economies, working paper, No. 84*. New Delhi: Indian Council for Research on International Economic Relations.
- Badinger, H. (2009). Globalization, the output-inflation trade off and inflation. *European Economic Review*, 53(8), 888-907. [DOI:10.1016/j.euroecorev.2009.03.005]
- Barro, R. J., & Gordon, D. B. (1983). A positive theory of monetary policy in a natural rate model. *Journal of Political Economy*, 91, 589-610.
- Bianchi, F., & Civelli, A. (2015). Globalization and inflation: Structural evidence from a time varying VAR approach. *Review of Economic Dynamics*, 18(2), 406-33. [DOI:10.2139/ssrn.2316880]
- Becker, G. S. (1983). A theory of competition among pressure groups for political influence. *Quarterly Journal of Economics*, 98(3), 371-400.
- Bowdler, C., & Malik, A. (2017). Openness and inflation volatility: Panel data evidence. *The North American Journal of Economics and Finance*, 41, 57-69. [DOI:10.1016/j.najef.2017.03.008]
- Breitung, J. (2000). The local power of some unit root tests for panel data. Advances in Econometrics. In: B. H. Baltagi, Th. B. Fomby, P. C. Hill (Eds.), *Nonstationary Panels, Panel Cointegration, and Dynamic Panels*. Bingley: Emerald Group Publishing. [DOI:10.1016/S0731-9053(00)15006-6]
- Ghosh, A. (2014). How do openness and exchange-rate regimes affect inflation? *International Review of Economics & Finance*, 34, 190-202. [DOI:10.1016/j.iref.2014.08.008]
- Harris, R. D. F., & Tzavalis, E. (1999). Inference for unit roots in dynamic panels where the time dimension is fixed. *Journal of Econometrics*, 90, 1-44.
- Im, K. S., Pesaran, M. H., & Shin, Y. (2003). Testing for unit roots in heterogeneous panels. *Journal of econometrics*, 115(1), 53-74. [DOI:10.1016/S0304-4076(03)00092-7]
- Jafari Samimi, M. M., & Shadabi, L. (2009). [Economic liberalization and inflation: An intergovernmental analysis (Persian)]. *Quarterly Journal of Economical Modeling*, 2(8), 27-46.
- Kurihara, Y. (2013). International openness and inflation in Asia. *Research in World Economy*, 4(1), 70-5. [DOI:10.5430/rwe.v4n1p70]
- Levin, A., Lin, C. F., & Chu, C. S. J. (2002). Unit root test in panel data: Asymptotic and finite sample properties. *Journal of Econometrics*, 108, 1-22.
- Lin, F., Mei, D., Wang, H., & Yao, X. (2017). Romer was right on openness and inflation: Evidence from Sub-Saharan Africa. *Journal of Applied Economics*, 20(1), 121-40. [DOI:10.1016/S1514-0326(17)30006-5]
- Naji Meidani, A. A. (2003). [The effects of globalization on growth, employment and income distribution in Iran (Persian)] [PhD dissertation]. Tehran: Tarbiat Modares University.
- Phelps, E. S. (1973). Inflation in the Theory of Public Finance. *Swedish Journal of Economics*, 75, 67-82.
- Rahmani, T. (2002). [Macroeconomics (Persian)]. Tehran: Baradaran.

- Ramsey, F. (1927). A contribution to the theory of taxation. *Economic Journal*, 37, 47-61.
- Rogoff, K. (2003). Globalization and global disinflation. *Economic Review-Federal Reserve Bank of Kansas City*, 88(4), 45-80.
- Romer, D. (1993). Openness and inflation: theory and evidence. *The Quarterly Journal of Economics*, 108(4), 869-903. [DOI:10.2307/2118453]
- Sadeghi, S. K., Pourabdollahan, M., Mohamadzadeh, P., Karimi, Z., & Alimoradi Afshar, P. (2015). [Studding democracy convergence in developing countries: A spatial econometric approach (Persian)]. *Journal of Econometical Modeling*, 11, 73-91.
- Salmanpour, A., Taghi Soltani, M., & Shafei, E. (2009). [The consequence of globalization of the economy on internal inflation in Iran (Persian)]. *Quarterly Journal of Economic Modeling*, 1(7), 11-93.
- Tayeb Nia, A., & Zandiyeh, R. (2009). The effects of the globalization process on inflation in Iran (Persian)]. *Iranian Journal of Economic Research*, 13(38), 53-96.
- Yiheiyis, Z. (2013). Trade openness and inflation performance: A panel data analysis in the context of African countries. *African Development Review*, 25(1), 67-84. [DOI:10.1111/j.1467-8268.2013.12014.x]
- Zhang, C. (2015). The effect of globalization on inflation in new emerging markets. *Emerging Markets Finance and Trade*, 51(5), 1021-33. [DOI:10.1080/1540496X.2015.1039894]

This Page Intentionally Left Blank
